



Critical Analysis of Manqabat Sarai in the Poetry of

Khawaja Shah Niaz Ahmad Barailvi (R.A)

*** Mazhar Abbas, Syed**

**** Babar Naseem Assi**

Abstract:

Khawaja Shah Niaz Ahmad Barailvi was one of the famous Sufi saints of Chishti Order who played an important role in the revival and popularity of Nizamiyya branch in India in thirteen Century A.D. Chishti order is one of the biggest and popular orders of Sufism in the Sub-Continent. The founder and promoter of Chishti Order, Khawaja Moen-ud-Din Chishti Ajmeri (R.A), is considered a prominent poet of Persian Language and pioneer of Manqabat Sarai among the saints of Chishti order. Khawaja Shah Niaz (R.A) was a prominent poet of Persian Language and held an important place among Chishti Poets. His collection of poetry holds Manaqib of Holy Prophet (P.B.U.H), His Holy Family (A.S), Khulfa-e-Rashdeen (R.A), Sufi Saints and Mashaekh-e-Chisht.

Key Words: Shah Niaz Ahmad Barailvi (R.A), Khawaja Moen-ud-Din Chishti Ajmeeri (R.A), Chishti order, Nizamiyya branch, Manqabat Sarai

بررسی منقبت سرایی شعر خواجه شاه نیاز احمد بریلوی

* مظہر عباس، سید

** بابر نسیم آسی

چکیده:

خواجه شاه نیاز احمد بریلوی یکی از صوفیان نامدار سلسلہ چشتیہ نظامیہ بود کہ در سده سیزدهم هجری در ہند شاخہ نظامیہ را مورد تجدید و پیشرفت قرار داد. سلسلہ چشتیہ یکی از بزرگترین و معروفترین سلسلہ تصوف در شبہ قارہ پاکستان و ہند است و مؤسس و گسترش دہندہ آن خواجه معین الدین چشتی اجمیری بود کہ شاعر چیرہ دست زبان فارسی و پیشگام منقبت سرایی در عرفای چشتیہ بود. خواجه شاه نیاز احمد شاعر پُرتوان زبان فارسی بود و وی در ردیف منقبت سرایان طریقہ چشتیہ مقام ارجمندی داشت. دیوان شعرش دارای مناقب نغز و بدیع در مدح و ستایش حضرت پیامبر اکرمؐ، اہل بیت اطہارؑ، خلفای راشدینؓ، بزرگان دین و خواجگان طریقہ چشتیہ است.

واژہ های کلیدی: شاه نیاز احمد بریلوی، خواجه معین الدین چشتی اجمیری، سلسلہ چشتیہ، شاخہ نظامیہ، منقبت سرایی.

*استاد یار، دانشکدہ دولتی، شیخوپورہ prof.mazharabbas@gmail.com
 **دانشیار، گروہ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جی سی لاہور dr.babamaseem@gcu.edu.pk

مقدمه:

زبان فارسی که از خانواده زبان های هند و ایرانی است، با زبان های شبه قاره هند و پاکستان پیوند قدیمی دارد. روابط باستانی فرهنگی میان ایرانیان و ساکنان شبه قاره نزدیک به نو قرن یعنی از قرن پنجم هجری تا قرن سیزدهم هجری می رسند. زبان فارسی در این دوران زبان ادبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دیوانی و رسمی شبه قاره بوده است. (سلیم مظهر: ۱۳۷۷: ۴)

ورود و انتشار اسلام در شبه قاره هند و پاکستان مرهون پیروزی های نظامی، بازرگانان مسلمان و بزرگان دین است. اما عارفان و بزرگان دین که به حکومت سیاسی و دربار پادشاهان سر و کاری نداشتند، برای ترویج و گسترش اسلام در شبه قاره نقش امتیازی ایفا کردند. این روش صلح آمیز و متقاعد کننده خواجه معین الدین چشتی اجمیری بود که هزاران هزار هندو مشرف به دین اسلام شدند و پادشاهان هند مثل سلطان شهاب الدین غوری و سلطان شمس الدین غوری از مریدان خواجه اجمیری بودند. □ □ (آریا: ۱۳۶۵: ۳۹-۴۰)

خواجه معین الدین چشتی اجمیری (م ۶۳۳هـ) بنیان گذار و مؤسس جدی سلسله چشتیه در هند است. وی مرید با صفا و با وفای خواجه عثمان هارونی بود و تا مدت بیست سال در سفر و حضر همراه مرشدش ماند. خواجه عثمان هارونی به مریدی او مباحثات می کرد و او را با لقب "محبوب الله" سرفراز کرد. سپس خواجه معین الدین به خلافت مرشد رسید و پس ازان به اجازه مرشد به هند مهاجرت کرد. وی در سال ۵۶۱هـ شهر اجمیر را برای مرکز تبلیغ خود برگزید که در ایالت راجستان هند قرار داشت.

طریقه چشتیه یواش یواش رو به گسترش نهاد و به توسط مریدان وی مانند خواجه حمید الدین صوفی ناگوری و خواجه قطب الدین بختیار کاکای دو مراکز مهم دیگر در ناگور و دهلی به وجود آمد.

شیخ فرید الدین مسعود گنج شکر که یکی از خلفای کبار خواجه قطب الدین بختیار کاکای بود، در اجودهن (پاک پتن فعلی پنجاب پاکستان) مرکز بسیار مهم سلسله چشتیه را تأسیس کرد. دو تن از خلفای وی خواجه نظام الدین اولیاء در دهلی و خواجه علاء الدین علی احمد صابری در کلیر خانقاه های شایانی بنا کردند و

به توسط این خواجهگان دو شاخه در سلسله چشتیه به نام "نظامیه" و "صابریه" ظهور کردند که تا امروز در شبه قاره هند و پاکستان با فعالیت تمام ادامه دارند.

سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیا ؒ مؤسس شاخه نظامیه در سلسله چشتیه بود اما شیخ شاه کلیم الله شاه جهان آبادی در اواخر قرن دهم هجری این شاخه را مورد تجدید قرار داد و جان تازه ای در آن دمید. عرفای کبار این شاخه مانند شیخ نظام الدین اورنگ آبادی، شیخ شاه فخرالدین دهلوی، خواجه نور محمد مهاروی، خواجه شاه نیاز احمد بریلوی، خواجه شاه محمد سلیمان تونسوی، خواجه گل محمد احمد پوری (نویسنده تكملة سير الاولياء)، خواجه شمس الدین سیالوی، خواجه نجم الدین سلیمانی (نویسنده مناقب المحبوبین)، پیر سید مهر علی شاه گولروی و سید غلام حیدر شاه جلالپوری و غیره هزاران هزار تشنگان راه حقیقت را به سلسله چشتیه جلب کردند. صوفیای این شاخه نه فقط در هند بلکه در پاکستان به ویژه در شهرهای استان پنجاب مانند تونسہ، چاچران، کوت مٹھن، احمد پور، ملتان، سیال، گولہ و جلال پور و غیره خانقاه های شایانی به وجود آوردند که تا کنون مراکز فعال ترین سلسله چشتیه به شمار می روند. (نظامی: ۱۹۶۲: ۶۴۸-۶۵۴)

عرفا و مشایخ چشتیه به زبان و ادبیات فارسی به حد عشق علاقه داشتند. اغلب آنان شاعر و ادیب بودند و مجالس خود را به اشعار فارسی مزین می ساختند. خلفا و مریدان به سبب علاقه مندی پیران خود زبان فارسی را فراگرفتند و آنان آثار منظوم و منثور پُرازش به جا گذاشتند که از لحاظ تعداد و معیار در سراسر ادبیات فارسی شبه قاره جایگاه ارجمندی دارند.

خواجه معین الدین چشتی اجمیری نه فقط بنیانگذار حقیقی طریقه چشتیه در هند می باشد بلکه مؤسس و پیشگام منقبت سرایی در زبان و ادبیات فارسی شبه قاره پاک و هند نیز هست. عرفای چشتیه مانند شیخ جمال الدین هانسوی، خواجه مسعود بک، خواجه قطب الدین بختیار کاکای، خواجه مسعود الدین گنج شکر، خواجه نظام الدین اولیا ؒ، خواجه علاء الدین صابر کلیدی، امیر خسرو دهلوی، خواجه حسن سجزی، خواجه امیر خورد، شیخ بو علی قلندر، خواجه عبدالله خویشگی، خواجه غلام حسن شهید ملتانی، عماد الملک نواب غازی الدین خان نظام، شاه نیاز احمد بریلوی، خواجه غلام فرید مٹھن کوتی و پیر مهر علی شاه گولروی و غیرهم منقبت سرایی را به صورت صنف جداگانه ای در آوردند.

خواجه شاه نیاز احمد بریلوی چشتی نظامی یکی از خلفای بزرگ حضرت شاه فخرالدین فخر جهان چشتی دهلوی (م ۱۱۹۹ هـ) بود. وی عالم دینی، عارف باصفا، ادیب کامگار و شاعر نامدار زمان خود بود. سلسله چشتیه نظامیه در قرن سیزدهم هجری به وسیله خواجه نور محمد مهاروی (م ۱۲۰۵ هـ) در پنجاب فعلی پاکستان و به وسیله خواجه شاه نیاز احمد بریلوی در اتر پردیش در هند گسترش شایانی یافت که هر دو از خلفای کبار حضرت شاه فخر الدین دهلوی بودند. (نظامی: ۱۹۸۵: ۵۶۳)

مفتی غلام سرور لاهوری در "خزینة الاصفیاء" خواجه شاه نیاز احمد بریلوی چشتی را چنین معرفی می کند:

"از اعظم اولیای متاخرین و کبرای خلفای راستین مولانا فخرالدین فخر جهان است. با ناز و نیاز هم راز و درسوز و گداز دمساز و در عشق و محبت جانباز. در علوم ظاهر و باطن یگانه و در صوری و معنوی یکتای زمانه بود. طالبان حق را به حق رسانیدی، اسب شوق در میدان عشق دوانیدی." (غلام سرور، ۱۹۶۴: ج ۱: ۵۱۲)

خواجه شاه نیاز احمد از طرف پدر علوی و از طرف مادر رضوی بود. اجدادش از شاهان بخارا بودند و جد بزرگوارش حضرت شاه آیت الله علوی از بخارا مهاجرت کرد و به ملتان آمد. پس ازان حضرت شاه عظمت الله علوی که نبیره حضرت شاه آیت الله علوی بود، از ملتان به سرهند آمد و اقامت دایمی گزید. خواجه شاه نیاز احمد در سال ۱۱۷۳ هـ در سرهند چشم به جهان گشود. اسم پدرش شاه رحمت الله علوی بود و اسم مادرش بی بی لادو بود که دختر مولانا سعدالدین رضوی بود که یکی از خلفای نامدار شیخ کلیم الله جهان آبادی (م ۱۱۴۲ هـ) بود. (اختیار حسین: ۱۴: ۲۰۰۷)

شاه رحمت الله علوی از سرهند به دهلی مهاجرت کرد و پس از مدتی در بچگی پسرش وفات یافت. مادر شاه نیاز احمد پرورش و تربیت وی را به عهده گرفت و او در سرپرستی مادرش تحصیلات مقدماتی را به نحو احسن به انجام رسانید. پس ازان مادرش وی را به خدمت حضرت شاه فخرالدین فخر جهان چشتی دهلوی فرستاد که یکی از علماء و مشایخ برجسته ترین آن زمان بود. شاه نیاز احمد قریحه طبعی برای تحصیل

علوم و فنون داشت لذا در سن هفده سالگی علوم منقول و معقول مانند اصول و فروع، حدیث و فقه و منطق و تفسیر را فرا گرفت. او باگذشت زمان به تصوف و عرفان نیز گرایش پیدا کرد و بنا به محبت و عقیدتش دست بیعت به حضرت شاه فخرالدین فخر جهان چشتی دهلوی داد. او برای تکمیل مراحل سلوک به ریاضت و مجاهده نیز مشغول ماند و به زودی در نظر مرشد مقبول شد و به منصب خلیفه رسید. وی طبق دستور مرشدش به بریلی آمد و در آنجا کار رشد و هدایت سالکان راه حقیقت را آغاز نمود. (انوارالحسن: ۱۳: ۱۹۶۰)

خواجہ شاہ نیاز وقتی کہ در شاہجہان آباد در دہلی کارِ تدریس را بہ عہدہ داشت، غلام ہمدانی مصحفی، شاعر نامدار زبانِ اردو از حیث دانشجو بہ خدمت ایشان رسید و از وی بسیار استفادہ کرد. پس از ان مصحفی تذکرہ ای بہ نام "ریاض الفصحاء" نوشت کہ در آن راجع بہ استاد خود نوشتہ است:

"مولوی نیاز احمد، نیاز تخلص کہ بندہ در ایام طالب علمی شانِ عالم و جاہت ایشان را دیدہ بلکہ چند روز "میزان" ہم از ایشان در شاہجہان آباد خواندہ بود، زبانی صادر دارد برپشت تختِ مشایخی در بریلی تمکن دارد و در وجد و حال نام بر آورده." (مصحفی: ۱۹۸۵: ۳۵۳)

خانقاہ خواجہ شاہ نیاز احمد در بریلی بہ صورت "معدن فیوض ربانی" و "مطلع انوار سبحانی" قرار گرفت و متلاشیان راہ حقیقت و سالکان جادہ طریقت از کشور ہای دور و نزدیک بہ آن مراجعت نمودند. خواجہ نیز خلفای خود را برای گسترش سلسلہ چشتیہ بہ بلادِ دورنزدیک فرستادند. مفتی غلام سرور لاہوری این وضعیت را چنین نوشتہ است:

"بارگاہ وی معدن فیوض ربانی و خانقاہ وی مطلع انوار سبحانی بود خلق بی شمار بہ حلقہ ارادت وی درآمد و مردمان از اقالیم دور و دراز یعنی از کابل و قندھار و شیراز و بدحشان بہ خدمت با برکت وی حاضر آمدہ مستفید و مستفیض شدند و خلفای آن جناب بہ ہر سمت بہ اقالیم بعید المسافت مامور شدند." (غلام سرور: ۱۹۹۴: ج ۱۳: ۵۱۲-۱)

خواجه شاه نیاز احمد در روز ۶ جمادی الثانی در سال ۱۶۵۰ هـ به سن هفتاد و هفت سالگی جان به جان آفرین سپرد و در بریلی مدفون شد. مزار پُرانوارش برای ارادت مندان او سرچشمه فیض است. (شارب: ۲۰۱۴: ۳۱۸)

آثار:

آثار شاه نیاز احمد بدین قرار اند:

۱- شمس العین شریف، ۲- رساله راز و نیاز، ۳- تحفه نیاز به حضرت بی نیاز، ۴- رساله تسمیه المراتب، ۵- مجموعه قصاید عربیه، ۶- شرح قصاید عربیه، ۷- حاشیه شرح چغمنی، ۸- دیوان اردو، ۹- دیوان فارسی. (انوارالحسن: ۱۹۶۰: ۱۴)

دیوان مختصر فارسی شاه نیاز مشتمل بر غزلیات، مثنویات، مناجات، نعت ها، مناقب و مستزادها است. این دیوان اولین بار از مطبع منشی نول کشور در لکهنو باترتیب و تهنیب و مقدمه از دکتر انوار الحسن در سال ۱۹۶۰م چاپ شد و پس ازان دیوانش با ترجمه و تشریحات زبان اردو از دکتر میرزا اختیار حسین کیف نیازی از ویلکم بُک پورت در کراچی در سال ۲۰۰۷م به چاپ رسید.

منقبت سرایی:

خواجه شاه نیاز اشعار زیاد نمی سرود و دیوان فارسی او فقط دارای نود و چهار غزل است. اما اشعارش خیلی جالب و دلنشین اند. از نظر سبک غزلیاتش ویژگی های سبک عراقی و سبک هندی دارد و اغلب غزلیاتش دارای مطالب وحدت وجود است. بعضی از غزلیاتش در تتبع شاعران بزرگ ادبیات فارسی مثل حافظ و مولانا است. از لحاظ منقبت سرایی، مناقب او نشان دهنده عشق و محبت وافر به رسالت مآب، خانواده آن حضرت، اصحاب آن حضرت و پیران سلاسل تصوف به ویژه خواجگان چشت است.

خواجه شاه نیاز نعت های زیبا و دلپذیر به قالب غزل در توصیف و ستایش حضرت پیامبر اکرم^ص سروده است و در آنها برای آن حضرت القابات نادر و نوین آورده است. وی در غزل زیر آن حضرت را منتهای اوج انسانی، مهبط تنزیل فرقانی، امیر عالم امری، شه معموره خلقی، ادیب علوی و سفلی، ظهور کامل ذات و صفات حضرت یزدان و غیره قرار داده است:

زهی عزو علایی منتهایی اوج انسانی نبی یثربی، ومهبط تنزیل فرقانی

امیر عالم امری، شبه معموره خلقی	ادیب علوی و سفلی، رسول انسی و جانی
ظهور کامل ذات و صفات حضرت یزدان	حبیبی، سیدی، محبوب خاص الخاص ربّانی
شبستان جهان روشن ز نور ماه روی تو	زتاب شعله حسنش کند خورشید رخشانی
نیاز اندر دلت گر پرتو رخ هاش جا گیرد	نه بینی تا ابد روی پریشانی و حیرانی

(شاه نیاز: ۸۳)

شجره طریقت سلسله چشتیه به امیر المومنین و امام المتقین حضرت امام علی ابن ابی طالب می رسد. بزرگان این سلسله معتقد اند که حضرت محمد مصطفی خرقه ای که در شب معراج به عنوان خلعت دریافت داشته بود، به حضرت امام علی سپرد و این خرقه فقر و ولایت به توسط خواجه حسن بصری به مشایخ چست رسید. (آریا: ۷۳: ۷۴-۱۳۶۵)

مشایخ چشتیه به مقتدای اصفیا و پیشوای اولیا حضرت علی ابن ابی طالب عشق و عقیدت ویژه ای داشتند و شعرای چشتیه در مدح و ستایش امام علی منظومه های نغز و بدیع سرودند. غزل های متعدد در دیوان خواجه شاه نیاز وجود دارند اما غزل زیر بسیار ساده و روان است و رنگ و آهنگ شیرین دارد. خواجه در آن غزل حضرت امام علی را فخر انسانی، شیر یزدانی، قبله دینی و ایمانی، امیر کشور فقری و شاه اقلیم عرفانی، گفته است:

زهی عزوجلّال بو ترابی فخرِ انسانی
ولی حق، وصی مصطفیٰ دریای فیضانی
امیرِ کشورِ فقری، شه اقلیم عرفانی
پیمبرِ برسرِ منبرِ نشست و خواند مولایش
عجب نبود بهارِ بی خزاں باغِ محبّان را
نیاز اندر قیامت بی سروسامان نخواهد شد

علی مرتضیٰ مشکل کشای شیرِ یزدانی
امام دو جهانی، قبله دینی و ایمانی
خدا گویی، خدا بینی، خدا دانی، خدا شانی
که تا مولایش را باشد اندر خلق بُرهانی
که می بارد بر او، هر لحظه ابرِ فیض و
احسانی

که از حُبّ تولّای علی داری تو سامانی

(شاه نیاز: ۸۴)

عرفای چشتیه اگرچه حنفی مذهب بودند اما به ائمه دوازده مذهب شیعه عقیدت و ارادت تمام داشتند. آنان منظومه های زیادی در مدح و ستایش امامین و معصومین سرودند. خواجه شاه نیاز در یکی از مناجاتش ابراز آن عشق و عقیدت می نماید و امام علی را وصی نبی و ولی خدا، حضرت زهرا را آبروی نسای جهان، امام حسن را جگر گوشه مشکل کشا، امام حسین را امام شهداء، امام زین العابدین را امام شه دین قرار می دهد. او صدق و صفای امام جعفر صادق را مورد ستایش قرار می دهد و امام موسی کاظم را نظم دهنده شرع و دین گفته است. وی امام علی رضا را با القاب ضامن و ثامن مخاطب ساخته است و امام محمد تقی را باعثِ درخشندگی اسلام و امام علی نقی را شفیع خلائق قرار داده است. او امام حسن عسکری رهبر حقیقی می گوید و خود را یکی از منتظرین امام مهدی قرار می دهد:

الهی	به	حق	نبی	امام
به	حق	امام	علی	مرتضی
به	حق	بتولی	که	زهرا ست او
به	حق	امام	حسن	مجتبی
به	حق	امام	شهیدان	حسین
به	حق	امام	شه دین	و داد
به	حق	امامی	که	باقر خطاب

علیه	الصلوة	و	علیه	السلام
وصی	نبی	و	ولی	خدا
نسای	جهان	را	وی	است آبرو
جگر	گوشه	شاه	مشکل	کشا
شهادت	از	و	یافته	زیب و زین
که	نامش	علی	هست	زین العباد
شنیدیم	او	را	ز	روی کتاب

به صدق و صفا خلق را رهبرست	به حق امامی که او جعفرُ ست
ازو یافته شرع و دین انتظام	به حق امامی که موسیُ ست نام
لقب ضامن و ثامن آمد ورا	به حق امام علی رضاً
که دین نبی شد از و منجلی	به حق امام محمد تقی
شفیع خلاق به روز جزا	به حق امام نقی ره نما
که سؤی حقیقت کند ره بری	به حق امام علی عسکری
جهان منتظر، کی شود، اوعیان؟	به حق امامی که مهدی ست آن

(شاه نیاز: ۹۴-۹۵)

خواجه شاه نیاز در مدح حضرت امام حسین غزلی نغز سروده است و امام عالی مقام را بالقاب (با القاب) دلپذیر مانند سلطان اولیا ء ، جان اولیا ء ، صاحب مقام نبی و علی، فخر انبیاء و شان اولیاء مخاطب کرده است. وی چهره مبارک امام عالی مقام را آئینه جمال الهی و مطلع صبح سعادت قرار داده است:

ای دل بگیر دامن سلطان اولیاء	یعنی حسین ابن علی جان اولیاء
ذوق دگر به جام شهادت ازو رسید	شوق دگر به هستی عرفان اولیاء
چون صاحب مقام نبی و علی ست او	هم فخر انبیاء شده هم شان اولیاء
آئینه جمال الهی ست صورتش	زان رو شده ست قبله ایمان اولیاء
روی نکوش مطلع صبح سعادت است	سیمای اوست شمع شبستان اولیاء
دارد نیاز حشر خود امید با حسین	با اولیاست حشر محبان اولیاء

(شاه نیاز: ۳۶)

خواجه معین الدین چشتی اجمیری مؤسس و گسترش دهنده طریقه چشتیه در شبه قاره هند و پاکستان است) و عرفای چشتیه به وی احترامات فوق العاده را قایل هستند. خواجه شاه نیاز یک غزل زیبا در منقبت خواجه خواجهگان حضرت معین الدین چشتی اجمیری سروده است و ارادت و عقیدت وافر خود با خواجه خواجهگان ابراز نموده است او خواجه معین الدین چشتی را با القاب فخر کون و مکان، آفتاب جهان، هادی انس و جان، سر راه گمان و غیره خطاب کرده است و ابیاتی چند از آن غزل بدین قرار است:

خواجه	خواجهگان	معین	الدین	فخر کون و مکان	معین	الدین
مظهر و جلوه	گاه نور	قدم	آفتاب جهان	معین	الدین	
مرشد و ره	نمای اهل	صفا	هادی انس و جان	معین	الدین	
عاشقان را	دلیل راه	یقین	سر راه گمان	معین	الدین	

(شاه نیاز: ۸۲)

سلطان المشایخ خواجه نظام الدین اولیا ء یکی از ارکان اساسی سلسله چشتیه محسوب می شود و خدمات ایشان برای ترویج و گسترش طریقه چشتیه فراموش ناکردنی است. عرفای چشتیه به خواجه نظام الدین اولیاء عقیدت و ارادت ویژه ای داشتند و مجالس و محافل خود را با ذکر سلطان المشایخ مزین می ساختند. خواجه شاه نیاز شعر خود را نیز با عقیدت و ارادت سلطان المشایخ متبرک ساخته است و یک غزل قشنگ و زیبا در مدح و ستایش سلطان المشایخ سروده است که ابیاتی چند از آن در ذیل است:

دلادست طلب بکشا، به درگاه شهنشاهی	نظام الدین و الملت علیه رحمت اللهی
امیر عالم آرای، ظهیر دین و دنیایی	شهنشاهی علی جاهی، نبی شانی، حق آگاهی
محیط فیض و ارشادی، به علم فقر استادی	سرایا حسن جان بخشی، هم جانان دل خواهی
در دریایی تجریدی، گل بستان تفریدی	به شکل صورت انسان نمایان ذات اللهی
چه غم داری نیاز از رفتن تنها ازین عالم	که سلطان المشایخ یا رجان با تست همراهی

(شاه نیاز: ۸۶-۸۵)

حضرت غوث اعظم، شیخ عبدالقادر جیلانی مؤسس سلسلہ قادریہ در تصوف اسلامی هستند و عرفای جهان تصوف احترامات زیادی به وی قایل هستند. خواجه شاه نیاز غزل قشنگ و دلپذیر در مدح و ستایش شیخ عبدالقادر جیلانی سرود و آن حضرت را "به سیرت مثل پیغمبر" و به صورت مرتضی ثانی قرار داد. او خواجه را با القاب دست گیر، غوث اعظم، قطب ربانی، حبیب سید عالم، محبوب سبحانی یاد کرده است:

بده دست یقین ای دل به دست شاه جیلانی	که دست او بود اندر حقیقت، دست یزدانی
امیری، دست گیری، غوث اعظم، قطب ربانی	حبیب سید عالم، زهی محبوب سبحانی
نشان شان بی چونی، بیان سر مکنونی	به سیرت مثل پیغمبر، به صورت مرتضی ثانی

(شاه نیاز: ۸۵-۸۴)

نتیجه گری:

خواجه شاه نیاز بریلوی چشتی نظامی در ردیف منقبت سرایان طریقه چشتیه مانند شیخ جمال الدین هانسوی، خواجه مسعود بک، امیر خسرو دهلوی، خواجه حسن سجزی، شیخ بو علی قلندر، خواجه عبدالله خویشگی، خواجه غلام حسن شهید ملتانی، عماد الملک نواب غازی الدین خان نظام مقام پرارزش و جایگاه ارجمندی دارد. دیوان شعرش به تمام نمونه شعر عرفانی است که دارای مناقب غز و بدیع در مدح حضرت رسول خدا، اهل بیت اطهار، حضرت امام علی، خلفای راشدین، بزرگان دین و خواجهگان سلسله چشتیه است. وی بدون تردید بزرگترین منقبت سرای زبان فارسی در ردیف عرفای متاخر سلسله چشتیه است.

منابع و مأخذ:

- ## آریا، غلام علی، دکترا. (۱۳۶۵) طریقہ چشتیہ در ہند و پاکستان، تہران: کتاب فروشی زوار.
- ## اختیار حسین، میرزا. (۲۰۰۷) مختصر سوانحی خاکہ، مشمولہ: شاہ نیاز کا فارسی کلام، ترجمہ و تشریحات: دکترا میرزا اختیار حسین کیف نیازی، ، اردو بازار، کراچی: ویلکم بُک پورٹ.
- ## انوار الحسن، دکترا. (۱۹۶۰م). مقدمہ، مشمولہ: دیوان نیاز بریلوی، ترتیب و تہذیب مع مقدمہ: دکترا انوار الحسن، لکھنؤ: مطبع منشی نول کشور.
- ## سلیم مظہر، دکترا محمد. (بہار ۱۳۷۷ھش) ورود زبان فارسی بہ شبہ قارہ و گسترش آن، مشمولہ: فصلنامہ شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شمارہ اول، شمارہ پیاپی ۸.
- ## شارب، ظہور الحسن، دکترا. (۲۰۱۴ م). تذکرہ اولیائے پاک و ہند، الفیصل ناشران و تاجران کتب، لاہور: اردو بازار.
- ## شاہ نیاز احمد، بریلوی، (۱۹۶۷ م) دیوان نیاز بریلوی، ترتیب و تہذیب مع مقدمہ، دکترا انوار الحسن، لکھنؤ: مطبع منشی نول کشور.
- ## غلام سرور لاہوری، مفتی. (۱۹۹۴م). خزینۃ الاصفیاء، ج ۱، انصاری کتب خانہ، کابل: بازار کتاب فروشی.
- ## مصحفی، غلام ہمدانی. (1985). تذکرہ ریاض الفصحاء، لکھنؤ: اتر پردیش اردو اکادمی.
- ## نظامی، خلیق احمد (1985). تاریخ مشایخ چشت، ندوۃ المصنفین، دہلی: اردو بازار.
- ## نظامی، خلیق احمد. (۱۹۶۲). چشتیہ، مشمولہ: اردو دائرہ معارف اسلامیہ، مرتبہ: دکترا محمد شفیع، ج ۶، لاہور: دانشگاه پنجاب.